

مدخلی بر نظریه دینی رودلف اوتو بر اساس کتاب « مفهوم امر قدسی »

قربان علمی

دانشگاه تربیت معلم تبریز

چکیده:

توجه به دین و جهت پیدایی و ذات آن همواره از مسائل مورد توجه فلاسفه، متکلمان (متألهان) و دیگر اندیشمندان بوده است. در این خصوص نظریه‌های گوناگونی، بویژه در قرن نوزدهم و بیستم، بیان شده است که از جمله می‌توان به نظریات متکلمان (متألهان) آلمان نظیر رودلف اوتو اشاره کرد. اوتو ذات دین را نه مثل فروید و دورکهم در جامعه و ضعف روان، و نه نظیر کانت و شلایرماخر در اخلاق و احساس توکل می‌داند، بلکه به نظر او ذات دین در نومیوس (امر قدسی) نهفته است. وی معتقد است که نومیوس دو ویژگی عمده دارد: یکی هیبت و دیگری انس و جذب. به همین جهت می‌توان نومیوس را هم سر مهیب نامید که ما را دچار حیرت و ترس می‌سازد و هم جذاب خواند که ما را مجذوب خود می‌گرداند. وی ضمن به فردی دانستن این تجربه آن را قابل تعلیم نمی‌داند، بلکه معتقد است که باید در جان انسان بیدار شود.

کلید واژه‌ها: امر قدسی، نومیوس، تجربه دینی، سر مهیب، جذب، احساس مخلوقیت، نومن، فراعقلانی، کاملاً دیگر.

رودلف اوتو^(۱) (۱۸۶۹-۱۹۳۷) متأله پروتستان مذهب، مورخ و پدیدارشناس ادیان بود. وی یکی از دو متأله بزرگ و اثرگذار در آلمان سالهای پس از جنگ جهانی اول است دو دیگر کارل بارث^(۲) متأله نئوآرتدوکس^(۳) است. کتاب «مفهوم امر قدسی»^(۴) اوتو و کتاب «تفسیری بر نامه به رومیان»^(۵) بارث، بحثهای کلامی زیادی را، اگرچه در جهات مختلف، در سالهای متمادی موجب شد. در حالیکه بارث تأکید لیبرالیستی بر مسیحیت را به عنوان دین رد می کرد، اوتو مساعی خود را در فهم ذات دین، تبیین های جداگانه آن در ادیان جهان و اهمیت آن در الهیات مسیحی به کار بست (نک: ملیسا^(۶)، 10-11).

اوتو وارث گرایش های فلسفی و کلامی بنیادین در آلمان پایان قرن نوزدهم بود. وی در سال ۱۸۶۹ در هانوفر^(۷) متولد شد و در دانشگاه های ارلینگن^(۸) و گوتینگن^(۹) تحصیل کرد. او ابتدا به تدریس در دانشگاه های گوتینگن و برسلاو^(۱۰) پرداخت. سپس در سال ۱۹۱۷ به دانشگاه ماربورگ^(۱۱) رفت و در آنجا به سمت استادی در کرسی الهیات برگزیده شد و تا زمان بازنشستگی (۱۹۲۹) در همانجا مشغول بود. او نخست تحت تأثیر اندیشه لوتر^(۱۲) قرار گرفت که در نخستین اثر منتشر شده اش با عنوان «نظریه لوتر درباره روح القدس»^(۱۳) منعکس است. تأثیر لوتر بر او در موضوع اهمیت شهود دینی^(۱۴) و احساس حضور باطنی خدا بوده است. دومین شخص تأثیرگذار در اندیشه او، شلایر ماخر^(۱۵) بود، چنانکه او بعدها نوشت شلایر ماخر اهمیت «احساس»^(۱۶) در تجربه دینی را بازیافته است. او همچنین از اندیشه کانت و فیلسوف دیگر، فریز^(۱۷)، نیز متأثر بود، چنانکه در کتاب «فلسفه دین مبتنی بر نظر کانت و فریز»^(۱۸) از اندیشه ایشان بحث نموده است. او بویژه از فریز اصطلاح «شوق»^(۱۹) را که به

- | | | |
|---|---------------|-------------------------|
| 1. Rudolf Otto | 2. Karl Barth | 3. Neoorthodox |
| 4. <i>Das Heilige (The Idea of the Holy)</i> | | |
| 5. <i>Commentary on the Letter to the Romans</i> | | 6. Melissa |
| 7. Hanover | 8. Erlangen | 9. Gottingen |
| 10. Breslau | 11. Marburg | 12. Luther |
| 13. <i>Luther's View of the Holy Spirit</i> | | 14. Religious intuition |
| 15. Schleiermacher | 16. Feeling | 17. Jakob Fries |
| 18. <i>The Philosophy of Religion based on Kant and Fries</i> | | |
| 19. Ahndung (Longing) | | |

عنوان حالت زیبایی شناختی^(۱) ادراک و ناظر به فهم معنا و مقصود وجود بوده است، به عاریت گرفت. اوتو برخلاف بسیاری از متألهان دیگر زمان خویش، به ادیان جهان غیر مسیحی علاقمند بود و زبان سنسکریت^(۲) را یاد گرفت و بسیاری از متون دینی هند را مطالعه و برخی از آنها را به زبان آلمانی ترجمه نمود و بر تعدادی از آنها شرح نوشت. وی مسافرت‌هایی به هند، برمه، چین، ژاپن، مصر، فلسطین و کشورهای دیگر نمود تا در بررسی خود تجربه دینی را بفهمد. شاید تأثیر عمیق مسافرت او به آسیا در سال ۱۹۱۱ و ۱۹۱۲ و مطالعه پیشین او از متون سنسکریت، او را به بررسی تجربه دینی واداشت که برای نخستین بار در کتاب «مفهوم امر قدسی» عنوان شد (نک: ادواردز^(۳)، 6/13، «دایرةالمعارف دین^(۴)»، 7/136).

آثار

اوتو چندین کتاب و مقاله نوشته است که مهمترین آنها عبارت‌اند از: «طبیعت‌گرایی و دین»^(۵) (۱۹۰۴)، «فلسفه دین مبتنی بر نظر کانت و فریز» (۱۹۰۹)، «مفهوم امر قدسی» (۱۹۱۷)، «عرفان شرق و غرب»^(۶) (۱۹۲۶)، «لطف در دین هندی و مسیحیت»^(۷) (۱۹۳۰) و کتاب «ملکوت خدا و پسر انسان»^(۸) (۱۹۳۴). مقالات فراوانی نیز از سوی وی به رشته تحریر در آمده است که با عنوان «تجربه دینی» نشر یافته است. نیز چنانکه پیشتر گفته شد برخی از متون دینی هندی را به زبان آلمانی ترجمه نمود که از آن جمله می‌توان به ترجمه «بهگودگیتا»^(۹) اشاره کرد. اکثر کتابهای وی به زبان انگلیسی ترجمه شده است و خود نیز در کشورهای انگلیسی زبان از طریق دو کتاب «ملکوت خدا و پسر انسان» و «مفهوم امر قدسی» شناخته می‌شود. کتاب «ملکوت خدا و پسر انسان» کوششی برای درک عهد جدید با توجه به زمینه تاریخی آن است. این کتاب نقش مهمی در مطالعه

1. aesthetic

2. Sanskrit

3. Edwards

4. *Encyclopaedia of Religion*

5. *Naturalism and Religion*

6. *Mysticism...*

7. *India's Religion of Grace and Christianity*

8. *The Kingdom of God and the Son of Man.*

9. *Bhagavad Gita*

آخرت‌شناسی^(۱) و شکل‌گیری آن اندیشه در عهد جدید داشت. به باور اوتو در این کتاب نخستین سرچشمه مفهوم ملکوت خدا، آیین ملکوت اهورای^(۲) ایرانی بوده است (نک: «دایرةالمعارف دین، 7/141»).

نظریه دینی اوتو براساس کتاب «مفهوم امر قدسی»

اوتو در فرایند اندیشه الهیات فلسفی آلمان از زمان کانت بدین سو قرار دارد. او همانند دیگر نمایندگان این فرایند سعی داشت دین را مورد توجه قرار داده به ذات آن پی ببرد. وی با آنچه موسوم به «واگشت‌گرایی»^(۳) یعنی تبیین دین همچون پدیدار فرهنگ انسانی است، و پاسخ به نیازهای اجتماعی یا روان‌شناختی که به مفهوم خاصی محصول آن نیازهاست، مخالفت ورزید و برعکس، معتقد بود که حاکمیت دین در قلمرو فعالیت خودش پاسخی به یک قدرت متعالی برتر از انسان است. آثار فروید^(۴)، وونت^(۵) و دورکهم^(۶) همگی به اشکال واگشت‌گرایی علمی^(۷) مربوط بودند که اوتو و سودربلوم^(۸) با آنها مخالفت نمودند (نک: ملیسا، 45؛ اوتو، «مفهوم امر قدسی»، 118).

1. Escathology

2. The Kingdom of Asura

۳. واگشت‌گرایی (Reductionism): تلاش برای برگرداندن یک علم به علم دیگر، با نشان دادن اینکه اصطلاحات کلیدی یکی در زبان دیگری قابل تعریف است و نتایج یکی از فرضیات دیگری نشأت می‌گیرد. این روش کلی در شاخه‌های گوناگون معارف بشر، صورتهای گوناگون به خود می‌گیرد. در حوزه دین، واگشت‌گرایان می‌خواهند دین را به دیده پدیدار ثانوی، بازتاب یا بیان ویژگیهای اساسی و دائمی رفتار و جامعه انسان بنگرند. نویسندگانی مثل پارتو، فروید، لنین، انگلس، وونت و دورکهم به دلایل مختلف، دین را همچون نتیجه یا بازتاب ذهنی، علایق اقتصادی، نیازهای زیست‌شناختی یا تجربیات طبقاتی فقر می‌دانستند.

مفهوم واگشت‌گرایی آن است که اعتقادات دینی بر اساس معیارهای علمی یا پوزیتیویستی باطل‌اند و اعتقاد به باورهای دینی براساس معیارهای تفکر منطقی نا معقول است. مفهوم نهایی واگشت‌گرایی پوزیتیویستی آن است که دین در اصل نوعی فعالیت شناختی ذهن انسان است، که بنا به دلایل گوناگون، ماهیت واقعی زندگی اجتماعی و تجربی را درست در نمی‌یابد (نک: Bryan, 242 ; William, D. Ph. 641).

4. Freud

5. Wundt

6. Durkheim

7. Scientific reductionism

8. Söderblom

کتاب «مفهوم امر قدسی» اوتو درست پنج سال پس از انتشار کتاب معروف «صور ابتدایی حیات دینی»^(۱) امیل دورکهم فرانسوی انتشار یافت. وی بدون اینکه با دورکهم ملاقات نموده یا از اثر او اطلاعی داشته باشد، تفسیری مخالف با او در مورد ذات دین ارائه داد. دورکهم ریشه دین را به عنوان نمادی در کلان^(۲) یا هویت گروهی قبیله می دانست، در حالیکه اوتو برخلاف او، «امر قدسی»^(۳) را قدرتی بزرگتر و فراتر از قلمرو بشر ترسیم می نمود. وی آشکارا تبیین اجتماعی شعائر و اسطوره‌ها را در فقدان نیروی احساس دینی در خرد انکار، و منحصر به فرد بودن چنین احساسی را همچون یک نیروی معنوی ویژه انسان تصدیق نمود.

اوتو در زمانی «مفهوم امر قدسی» را نوشت که دین در وضعی تدافعی قرار داشت. وی پیش از نگارش «مفهوم امر قدسی»، نظیر شلایرماخر، معتقد بود که سکولاریسم^(۴) ایمان دینی را فاسد کرده و اعتبار گزاره‌ها و نهادهای دینی را در میان خردمندان از بین برده است. او در کتاب «طبیعت‌گرایی و دین» در اثبات استقلال و واگشت‌ناپذیری دین در مقابل واگشت‌گرایی علمی و الهیات طبیعی^(۵) کوشید. به ادعای او، این دو مفهوم سعی در تبیین عقلانی وجه باطنی و غیر آشکار زندگی دارند (نک: اوتو، «طبیعت‌گرایی و دین»، 5-7). کتاب «مفهوم امر قدسی» او در واقع بیان روشن خصومت رمانتیک تجدید^(۶) همراه با صنعتی شدن شتابان آن و تباه شدن ارزشهای دینی است.

در میان دانشمندان دینی کمتر کسی مثل اوتو در مقابل سکولاریسم و واگشت‌گرایی ایستادگی کرد. او تنها به شکایت از سکولاریسم بسنده ننمود، بلکه معیارهای روش‌شناسی و خطابی^(۷) موثری را نیز به دست داد، که از آن طریق دین می‌تواند از دستبرد آنچه ساخته اندیشه و فرهنگ بشری است، در امان باشد. وی پیشاپیش هر نوع تبیین طبیعت‌گرایانه^(۸) را از

1. *Les forms elementaire de La vie religieuse*

2. Clan

3. Holy

4. Secularism

۵. الهیات طبیعی (Natural Theology): الهیات طبیعی که در مقابل الهیات وحیانی قرار دارد مبتنی بر عقل تنهاست و غایتش اثبات وجود خدا از طریق براهین عقلی است.

6. Romantic Hostility

7. Rhetorical

8. Naturalistic Explanation

دین رد کرد و تقدس و مصونیت تجربه دینی را، با این ادعا که اگر تجربه دینی قابل تبیین باشد، تجربه دینی نیست، تضمین نمود (نک: پرودفوت^(۱)، 118).

با توجه به اینکه از زمان شلایرماخر، و حتی پیش از آن، الهیات آلمان با مسئله ذات دین سروکار داشته است عمده ترین تلاش او تو نیز در کتاب «مفهوم امر قدسی» این است که به ذات دین پی برده، از این طریق انسان متجدد را در تشخیص امور مهم از غیر مهم توانا سازد. برخلاف کانت و ریشل^(۲) که ذات دین را در اخلاق می دانستند (نک: کالین براون، ۲۳۵)، و برخلاف شلایرماخر که ذات دین را احساس توکل محض می دانست (نک: شلایرماخر، 49)، او تو ذات دین را «امر قدسی» می داند (او تو، «مفهوم امر قدسی»، 5). وی با اذعان به اینکه از زمان اصلاحات کلیسا به بعد، هم متألهان و هم فلاسفه خود را بیش از اندازه با اعتقادات و باورهای جزمی و استدلالات و به عبارت دیگر، با جنبه های عقلی و اخلاقی دین مشغول کرده اند که جوهر و اصل دین نیست، معتقد است که معرفت و تعلیم دینی نمی تواند در قلمرو فلسفه همچون شاخه مهمی از اخلاق قرار گیرد، بلکه در ژرفای ناپیدای روح نهفته است. وی با تصدیق این امر که موضوع دین، امر قدسی، به دو عنصری که قبلاً به عنصر اخلاقی - عقلی و فراعقلی اطلاق گردیده تقسیم شده است، تقدس^(۳) را با کمال الهی و خیر اخلاقی یکسان نمی شمرد. با توجه به اینکه واژه «امر قدسی» معنی نخست خود را از دست داده و در طول تاریخ، بار معنایی اعتقادی و اخلاقی زیادی به خود گرفته است، او تو ناچار شد برای انتزاع ذات رازآلود^(۴)، هیبت آور^(۵) و پرجذبه^(۶) امر قدسی به جهت تحلیل و بررسی، به دور از عناصر عقلانی و اخلاقی، اصطلاح جدیدی به نام «نومینوس»^(۷) پیدا کند تا نماینده تقدس بدون عنصر اخلاقی و عقلی باشد. این اصطلاح از کلمه لاتینی «نومن»^(۸) به معنی الوهیت

1. Proudfoot

۲. ریشل (Albrecht Ritschl) متأله قرن نوزدهم که معتقد بود دین براساس تشخیص ارزشها قرار دارد و باید از علوم کاملاً جدا باشد. او اظهار می داشت که دین با این سؤال شروع می شود: «چه باید بکنم تا نجات یابم» (هور درن، ۴۲).

3. Holiness

4. Mysterious

5. awesome

6. Fascinating

7. Numinous (الهی، مینوی، قدسی)

8. Numen

گرفته شده و مشعر به مفهومی کاملاً متفاوت با کمال اخلاقی است. عنصر فراعقلانی^(۱) نومیوس، به آن جنبه ذاتی خدا که متعالی و از این رو غیر قابل ادراک عقلانی است اطلاق می‌شود. اوتو اصرار دارد که ذات خالص دین، از آغاز تکاملش، کاملاً مستقل از مقولات متعارفی است که انسان از ارزش و تجربه دارد. عنصر نومیوس، ذات دین، به عنوان یک نظام انسانی است. این عنصر یک شخص ماوراء طبیعی، «خدا»، نیست، بلکه مجموعه‌ای از احساسات است که با احساس قدرت و ارزش متعالی خدا در انسان برانگیخته می‌شود و عنصری «کاملاً متفاوت»^(۲) از دنیای طبیعی است. وضع ذهن در حالت «تقدس» وضعی کاملاً مختص به خود است و نمی‌توان آن را به دیگر عوامل تحلیل کرد و به همین دلیل مانند هر امر کاملاً ابتدایی، هرچند می‌توان درباره آن بحث کرد، نمی‌توان آن را دقیقاً تعریف نمود. تقدس، مثل «خدا»، مفهومی مرکب از یک عنصر کاملاً دینی (نومیوس) و یک معنی اضافه شده اخلاقی است که معنا و مفهوم غیر قابل تعریف را تکمیل می‌کند، و فراتر از آن به ویژه در دین غربی، این خطر وجود دارد که کلاً آن را فراگیرد. در نومیوس، مفهوم وجود عینی و سرمدی خدا پیش از ظهور^(۳) خلقت و مفهوم‌سازی^(۴) انسان نهفته است، حتی مقدم بر اینکه خدا فی نفسه تقدس باشد (یعنی مجموعه‌ای از عناصر نومیوس، اخلاقی و عقلانی در تاریخ اندیشه ما از خدا) نومن است (همان، 197,199).

نومیوس نه تنها به خدا، که به حالتی از روح نیز که حضور خدا آن حالت را برمی‌انگیزد، اشاره دارد. این حالت روح عبارت از کیفیت تجربه دینی به عنوان حالت شناخت قائم به ذات^(۵) و غیر قابل واگشت است و به ارزش نومیوس واقعیت متعالی مربوط است که متعلق^(۶) تجربه دینی می‌باشد (همان، 7). از این رو اوتو به عنوان یک متأله واقع‌گرا، فراتر از روان‌شناسی دین می‌رود. اثر او مبتنی بر این اعتقاد است که نومیوس فرافکنی^(۷) محض نیست، بلکه داده‌ای واقعی از تجربه وابسته به یک واقعیت متافیزیکی «کاملاً متفاوت» است که

1. Non-rational

(البته خود اوتو در مقدمه‌ای که در سال ۱۹۲۳ بر ترجمه انگلیسی کتاب «مفهوم امر قدسی» نوشت اظهار داشت که منظور او از Non-rational عبارت از Supra-rational یعنی فراعقلانی می‌باشد.)

2. Wholly Other

3. Revelation

4. Conceptualization

5. sui generis

6. Object

7. Projection

حضورش می‌تواند به تنهایی حالتی از نومینوس را در روح و جان پدید آورد (همان، 11). نومینوس قابل تعلیم نیست و فقط می‌تواند برانگیخته شود و باید در روح (جان) مانند هر پدیدار برخاسته از «روح»^(۱) بیدار شود (همان، 7). نومینوس در واقع یک نشانه یا علامت است و مفهومی غیر از خودش دارد. مانند یک X نمادی ناشناخته و نشان دهنده چیز دیگری است که خود آن را باید با تجربه درک کرد تا دانست X نشانه چیست. او تو قوائین این متعلق را اینگونه وصف می‌کند: «این X ما دقیقاً این تجربه نیست، بلکه نزدیک آن و خلاف آن دیگری است. آیا شما خود متوجه شدید که چیست؟ به عبارت دیگر این X ما قابل تعلیم نیست، بلکه باید در جان بیدار شود درست همانطوری که هر پدیدار برآمده از روح باید در ما بیدار شود» (همانجا). پس نومینوس از نظر عقلی غیر قابل وصف و تبیین ناپذیر است. وی در این مورد، جمله ترستیگن^(۲) را نقل می‌کند که: «خدایی که درک شود خدا نیست» (همان، 25). او تو با استفاده از قاعده رمزی^(۳) «سر مهیب»^(۴) و «جذبه»^(۵) این کار را انجام می‌دهد. از این رو، به نظر او، دین با بیدار شدن آگاهی نومینوس از طریق احساس خارق العاده^(۶) در تجربه یک حضور «کاملاً متفاوت» (از این رو رازآلود) شروع می‌شود؛ هم از این رو با قدرت هیبت آور خود^(۷) مهیب است. نشان عظمت و بزرگی^(۸)، «مهیب» و «جذاب»^(۹) را در یک واکنش متقابل^(۱۰) متحد می‌گرداند که در آن به آدمی هیبت دست داده و در این قدرت (جذاب) مستغرق می‌گردد و در عین حال احساس ترس و خشیت می‌کند. از این طریق است که او تو متعلق تجربه نومینوس را چنین وصف می‌کند که در آن سر مهیب است. سری که انسان در مقابل او می‌لرزد و یک احساس نیرومندی از «احساس مخلوقیت»^(۱۱) در او ایجاد می‌شود. از سوی دیگر، نومینوس علاوه بر خشیت آور و هیبت‌انگیز بودن، عامل جذابیت را نیز واجد است.^(۱۲) به اعتقاد او تو این تجربه نومینوس از امر قدسی برای تمامیت تجربه دینی

1. Spirit

2. Tersteegen

3. Ideogrammatic formulation

4. Mysterium tremendum

5. Fascinans

6. Uncanny

7. awe-inspiring

8. Majestas (Majesty)

9. Fascinosum

10. Twofold

11. Creature-feeling

۱۲. یاد آور: "انما المومنون الذین اذا ذکرالله وجلت قلوبهم و اذا تلیت علیهم آیاته زادتهم ایماناً و

اساسی است، از این رو یک مقوله ماقبل تجربی است. به گفته وی انسانها استعداد خاص شناخت و درک واقعی امر قدسی را در جلوه‌های گوناگون آن دارند، استعدادی که او آن را «الهی شدن»^(۱) می‌نامد؛ این استعداد الهی شدن، که او تو به سهم خود از مفهوم «شوق»^(۲) فریز و مفهوم «احساس» شلایرماخر برگرفته است، وسیله‌ای است که انسان به واسطه آن، معنی، ارزش، غرض و حضور نومی‌نوس را احساس نماید؛ زیرا تجربه نومی‌نوس فراعقلانی است («دایرةالمعارف دین»، 7/140).

نومی‌نوس ذات حقیقی همه تجربه دینی ایجابی است و دین واقعی را از ترس دمونی^(۳)، که می‌توان اثری از آن را در آیین ابتدایی تا الهیاتی که به صورت مذهب لو تر ظاهر شده، مشاهده کرد، متمایز می‌سازد. همینطور پدیدارهای ماقبل دینی^(۴) (مثل آنیمیزم، پرستش مانا، ترس از تابوها و امر ناپاک^(۵)، سحر و غیره) و همچنین دشواری‌های نظری^(۶) مغالطه‌آمیزترین اشکال دین غربی، بطور یکسان از طریق ارتباطشان با عنصر اصلی دیانت یعنی احساس نومی‌نوس قابل توضیح‌اند (نک: ملیسا، 62).

به اعتقاد اوتو تجربه نخست از تقدس همچون نومی‌نوس به دو دلیل، فراعقلانی، و از آنجا فراشخصی است: نخست آنکه در تاریخ دین، نومی‌نوس از نظر زمانی مقدم بر عقلانی شدن خداست، دوم آنکه نومی‌نوس احساسات فراعقلانی - مفهومی مثل «سکر حیرت‌آور»^(۷)، «وحشت»، «حیرت»^(۸) و احساس عجیب و خارق‌العاده را برمی‌انگیزد (اوتو، «مفهوم امر قدسی»، 16,20,31).

به نظر اوتو دین مسیحیت، همچون بیانی از احساس امر قدسی، مثل دیگر ادیان از احساس هیبت و راز در فرهنگ و تصویرسازی^(۹) ظاهر می‌گردد. او یک جریان پیوسته‌ای را ترسیم می‌کند که از لو تر تا «قدوش»^(۱۰) عهد عتیق ادامه دارد و در «عناصر هیبت دینی» در تاریخ

ادامه پاورقی از صفحه قبل

علی ربهم یتوکلون" (سوره انفال آیه ۲).

1. Divination

2. Ahndung

3. Daemonic

4. Pre-religious

5. Unclean

6. Cerebral austerities

7. Dizzy intoxication

8. Stupor

9. Ideation

10. Quad-

دین کلاً منتشر است (نک: همان، 100). از همین رو است که کتاب «مفهوم امر قدسی» هم به دین تطبیقی می‌پردازد و هم به نقدگرایی انجیلی. وی در این کتاب از تکامل تاریخی شناخت نومینوس نیز بحث می‌کند (نک: همان، 5-124). او یک فراشد معرفتی را لازم می‌شمارد تا از طریق آن تجربه نومینوس پالایش، و از خرافه رها شود و از طریق تمثیل‌های معنوی و اندیشه‌های دقیق تفسیر گردد. این امر که دین می‌تواند حقیقت خود را در طول زمان آشکار یا اصلاح نماید ضرورتاً قابل بحث نیست. نیازی به مسلم فرض کردن مقولات ماقبل (تجربی) رسمی پیچیده نیست، تنها فرآیندهای ذهنی تمییز دهنده، که به رشد یا زوال عقلانی مربوط می‌شوند، به تدریج شناخت نومینوس را تصفیه می‌کند یا، همانطور که منطقیاً ممکن است، آن را با تعبیر غیرمصطلح درهم می‌آمیزد.

نومینوس قائم به ذات^(۱) است یعنی «کاملاً متفاوت» نسبت به هر ارزش دیگری مثل زیبایی، خیریت، یا عقلانیت است. به نظر وی، تجربه نومینوس فقط مفهومی را تصدیق می‌کند که در تمامی دینداری^(۲) مشترک است: احساس فنای ارزش و هویت شخصی در مواجهه با امری که ارزش فراعقلانی دارد، مفهومی نه فقط بهتر بلکه کاملاً برآمده از نظامی «متفاوت» با نظام خلقت است. او تو این احساس را «احساس مخلوق بودن» می‌خواند. پس گناه و خشم خدا به هنگام گناه، مفاهیم اخلاقی نیستند، بلکه یک تجربه خاص دینی از پلیدی^(۳) در حضور امر قدسی‌اند.

با آنکه منبع اصلی الهام‌بخش او تو در مفهوم نومینوس ماقبل اخلاق، اشعیاء نبی بود اما اشعیاء نیز مفهوم نومینوس را با مفهوم اخلاقی - عقلانی در آمیخته است. زیرا اشعیاء به خوانندگان خود اطمینان می‌دهد که خدا تقدس خود را با عدالت و صداقت خویش نمایان خواهد ساخت: «و یهوه صبايوت به اتصاف متعال خواهد بود و خدای قدوس به عدالت تقدیس کرده خواهد شد» [اشعیاء فصل ۵، بند ۶] (نک: او تو، همان، 75).

از سوی دیگر شلایرماخر نیز در «مفهوم امر قدسی» او تو تأثیر داشته است و او تو با وی در بسط مفهوم تقدس رابطه بسیار زیادی دارد (همان، 154، 50-145، 108، 20، 9).

او تو اظهار می‌دارد هرچند نومینوس عنصر ذاتی امر قدسی است، اما الهیات انجیلی از

عناصر عقلانی، مخصوصاً اخلاقی، اشباع شده است. معهدا این عناصر عقلانی، صرف نظر از اینکه تقدس را بدشکل نموده است، عملاً معیاری را برای طبقه‌بندی ادیان برحسب مورد پذیرش واقع شدن از «طرف بشریت متمدن» ارائه می‌دهد. بدون عنصر عقلانی، دین به عرفان محض بدل می‌شود و با افراط در عقل‌گرایی زوال می‌یابد و از بین می‌رود (همان، 141).

پس «مفهوم امر قدسی» بیان کاملی از نظریه دینی اوتو نیست. در واقع، مکتب رمانتیک لیبرال آن به جنبه فراعقلانی تجربه دینی تأکید می‌ورزد، به گونه‌ای که اگر به زمینه فکری او در دیگر آثارش توجه نشود، نظریه دینی او می‌تواند نادرست تعبیر گردد (نک: مور^(۱)، 79). اوتو تأکید دارد که ذات فراعقلانی دین شاید بنیادی‌ترین و اساسی‌ترین عنصر آن باشد، اما کلیت آن نیست. در واقع به نظر می‌رسد که بیشتر شارحان غافل از این عقیده اوتو که عناصر عقلانی و فراعقلانی دین نباید از اعتدال خارج شوند، سر از افراط در عقل‌گرایی خشک و یا تعصب دینی در آورده‌اند (نک: واچ^(۲)، 221). از این رو اعتدال عناصر عقلانی و فراعقلانی در هر دین، کمال آن دین و مرتبه معنوی آن را مشخص می‌کند.

به باور اوتو او حقیقتاً و بدون تعصب به وحدت عناصر عقلانی و فراعقلانی در مسیحیت حکم کرده است تا نمونه کاملی از زندگی معنوی را نشان دهد که آن اعتدال موزون «ژرفای عرفانی»^(۳) و اندیشه سلیم است (نک: اوتو، همان، 142).

وی معتقد است که وحدت عناصر عقلانی و فراعقلانی تقدس در مسیحیت تصادفی نیست. وحدت ذاتی واقعی این عناصر یک ویژگی «ماقبل تجربی» دارد که بدین طریق احساس نومینوس توسط عوامل فرهنگی و اخلاقی تدریجاً عقلانی می‌شود. اوتو شناخت نومینوس را به «مفاهیم نظری شناخت» کانت تشبیه کرده، با بررسی آن درمی‌یابد که نومینوس برحسب اینکه از «عمیق‌ترین بنیاد ادراک شناختی که روح دارد» ناشی می‌شود، ما قبل تجربی است. حقیقت شناخت نومینوس به یک «منشأ ذاتی ناپیدا»^(۴) اشاره دارد که مفاهیم و احساسات دینی از آن شکل می‌گیرند، و مستقل از تجربه حسی در ذهن وجود دارند (همان، 113).

اوتو با بررسی بیشتر نشان می‌دهد که در روح انسان یک استعداد کلی برای دریافت و

1. Moore

2. Wach

3. Mystical depth

4. Hidden substantive source

تشخیص دین حقیقی وجود دارد. به نظر وی اگر بحث نظری درباره خدا و دین، از تجربه دینی ریشه نگیرد و توسط آن حمایت نشود، یک امر کاملاً زائد خواهد بود. از این رو قسمت اعظم کتاب «مفهوم امر قدسی» به بیان تجربی و غیر تعلیمی^(۱) چگونگی آشکار شدن احساس فراعقلانی نومینوس در تجربه زیبایی شناسانه، عبادت، عهد عتیق، عهد جدید، لوتر و دین ابتدایی اختصاص دارد. این بدان معنی نیست که او تو نخست نظریه ماقبل تجربی را اظهار دارد و سپس در تأیید آن نمونه‌هایی را بیاورد. این امر یک قضیه شناخت شناسانه عمدی است. او تو مثل کانت، اظهار می‌دارد که عقلی که با داده‌های حسی^(۲) کار می‌کند نمی‌تواند از حقایق متافیزیکی و متعالی، شناخت عینی را ارائه دهد. حقایق تجربه امر متعال نمی‌تواند به شیوه فلسفی استدلال شود، تجربه دینی دست اول فقط این واقعیت را تصدیق می‌کند. از این رو کسانی که از داشتن چنین احساسات دینی ناتوان هستند و یا نمی‌خواهند خود را در فراشد معرفت به واقعیت احساس نومینوس درگیر کنند، دلواپس خواندن این کتاب نباشند (همان، ۸). وی تأکید می‌کند وظیفه او تنها این نیست که پدیداری دینی را بررسی کند، بلکه می‌کوشد آن را در خوانندگان خود ایجاد کند، و تا فردی نومینوس را تجربه نکرده است نمی‌تواند آن را درک کند. نومینوس شکلی از خود آگاهی است که با حضور قدرت ارزش فوق طبیعی برانگیخته می‌شود و می‌تواند از طریق برانگیختن احساسات خاص برخاسته از حضور نومن^(۳) شناخته شود.

بطور خلاصه «مفهوم امر قدسی» می‌تواند محصول سه نظریه به هم آمیخته فلسفی، پدیدار شناسانه و کلامی تلقی شود (نک: ولچ^(۴)، ۱۲۱).

او تو با پیروی از فریز، به طور فلسفی اعتقاد داشت که انسانها می‌توانند از واقعیت متافیزیک فراعقلانی یا مطلق شناخت داشته باشند و دارند. این یک معرفت عقلانی یا ذهنی نیست، بلکه احساس یا ادراک غیر قابل بیان است. تأمل در این احساس می‌تواند فقط از طریق

1. Non doctrinal

تعلیم که گفته می‌شود مقصود تعلیم علوم رسوم است نه اینکه این نظریه ذات خود غیر قابل تعلیم و نا آموختنی باشد، نهایت آنکه آموزش و تعلیم انبیاء و علوم نبوی و الهی جز تعلیم ظاهری و علوم رسمی (doctrinal) است.

2. sense-data

3 . Numen proesens

4. Welch

تمثیل‌های شهودی به مفهوم احساس منتقل گردد. بنابراین آنچه درباره امر قدسی گفته می‌شود، رمزی است نه واقعی.

نظریه پدیدارشناسانه در «مفهوم امر قدسی» اظهار می‌دارد که همه ادیان ریشه در نظریه یا سیستم ندارند، بلکه ریشه در یک تجربه نومینوس کلی و اساساً یکنواخت دارند که از نظر تاریخی و فرهنگی به طور گوناگون تبیین می‌شوند.

بالاخره نظریه کلامی اوتو بیان می‌دارد که هراندازه یک دین خود را بیشتر و کاملتر بر تجربه نومینوس استوار می‌سازد، به همان اندازه در ماهیت ذاتی دین به وجهی عمیق‌تر سهم می‌شود. دین تنها در جایی می‌تواند بوجود آید که در آنجا اتحادی غیرمستقیم در گواهی فردی مستقیم نفس به ظهور اراده و حضور خدا در احساس نومینوس باشد. مکاشفه مدون، عقلانی شده و به صورت تاریخ درآمده شریعت و کتاب مقدس، که در آن نجات و اصلاح انسان مقصد می‌باشد، برخاسته از احساس نومینوس است.

منابع:

براون، کالین، فلسفه و ایمان مسیحی، ترجمه میکائیلیان، تهران، ۱۳۷۵ ش.
هوردرن، ویلیام، راهنمای الهیات پروتستان، ترجمه میکائیلیان، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸ ش.

Edward, Craig, *Routledge Encyclopaedia of Philosophy*, Vol. 8, London, 1998.

Edward, Pawl, *Encyclopaedia of Philosophy*, Vol. 6, New York, 1967.

Eliade, Mircea, *Encyclopaedia of Religion*, Vol. 7, London, 1995.

Mellisa, Raphael, *Rudolf Otto and the Concept of Holiness*, New York, 1997.

Moore, J.M., *Theories of Religious Experience*, New York, 1983.

Otto, Rudolf, *The Idea of the Holy*, translated by gohn, W. Harvey, London, 1958.

Proudfoot, T.W., *Religious Experience*, Berkeley, 1985.

Reese, William, *Dictionary of Phidosophy and Religion*, New Jersey, 1996.

Schleiermacher, F.D.E., *On Religion*, New York, 1958.

Turner, Bryan, *Religion and Social Theory*, London, 1991 .

Wach, J., *Types of religious Experience* , London, 1951 .

Welch, C., *Protestant Thought in the nineteenth century*, New Haven, 1985.